



پروژه "دبیرستان پلیس" - مهران محبی صفحه ۳

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چند شهر و تامین اجتماعی در شوش

صفحه ۸

دستگیری‌های گسترده در کردستان؛ پاسخ ما، اعتراض گسترده است!

صفحه ۸

اعتراضات بازنشستگان مخابرات و فولاد و ذوب آهن اصفهان و اخباری دیگر

صفحه ۹

صد و سی و پنجمین هفته کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام در ۶۱ زندان و تجمعات کارگران رسمی

نفت در شرکت نفت و گاز پارس و یک خبر دیگر صفحه ۹

اخباری از اعتراضات کارگری و اجتماعی، مالباختگان و دادخواهان صفحه ۱۰

مدیای اجتماعی

بیانیه آغاز تجمعات صنفی هفتگی کارکنان مناطق عملیاتی

در مطالبه رفع محدودیت‌های حقوق و مزایای کارکنان صنعت نفت، صفحه ۷

چهارمین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی می‌داریم

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) ، صفحه ۱۱

جمهوری اسلامی ۱۰ معترض در پرونده موسوم به «میدان شهدای اصفهان» را در دادگاه بدوی به اعدام

محکوم کرد.، صفحه ۱۲

بیانیه در حمایت از: نامه همبستگی تعدادی از چهره‌ها و فعالین سرشناس جهانی به زندانیان سیاسی

ایران، صفحه ۱۲

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۵۱

۹ شهریور ۱۴۰۵

۳۱ اوت ۲۰۲۶



دوشنبه‌ها منتشر میشود

در حمایت از نامه سرگشاده

آنجلا دیویس و دوستانش

حمید تقوایی

صفحه ۵

بار دیگر قدرت مردم

یاشار سهندی، صفحه ۴

به حزب

کمونیست کارگری

پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



این کشتار مستمر در شکل اعدامهای گسترده همچنان ادامه دارد. آمار دقیقی از قربانیان اعدامها و کشتارهای خیابانی بخاطر پنهانکاری و عددسازی های رژیم در دست نیست ولی تخمین نهادهای معتبر حقوق بشری اینست که از سال ۵۷ تا امروز بین ۶۰ تا ۶۵ هزار نفر در ایران اعدام شده اند.

اینها بخشی از پرونده سیاه حکومتی است که میخواهد با مظلوم نمایی خود را قربانی جنگی جلوه بدهد که در واقع حاصل سیاستهای جنگ افروزان خود اوست. آیا روشن نیست که اگر جمهوری اسلامی از سیاستهای غربستیزانه خود، که از یک موضع تماما ارتجاعی و قرون وسطانی علیه دستاوردهای تمدن غربی صورت میگیرد، دست میکشد جنگی هم رخ نمیداد؟ اگر جنگ و تنش جنگی ادامه دارد به این خاطرست که جمهوری اسلامی به آمریکا و اسرائیل ستیزی احتیاج دارد تا سیاستهای سرکوبگرانه خود در ایران و سلطه جوئی هایش در منطقه را توجیه و دنبال کند. تا هم جهنمی که در ایران برپا کرده است را پاسداری کند و هم از طریق نیروهای نیابتی اش این جهنم را به نوار غزه و لبنان و سوریه و عراق و یمن و غیره صادر کند.

دوستان منتقد نامه سرگشاده جنایات هولناک اسرائیل و آمریکا در نوار غزه و سوریه و لبنان را بما یادآوری میکنند. روشن است که همه نیروهای چپ و مترقی باید قاطعانه علیه این جنایات بایستند. کسی نسلکشی مردم غزه را فراموش نکرده است، آنچه نباید فراموش شود نسل کشی جمهوری اسلامی در سوریه است. جمهوری اسلامی در حمایت همه جانبه (نظامی و مالی و سیاسی) از رژیم بشار اسد در سوریه حمام خون براه انداخت که حاصل آن بیش از ۶۵۰ هزار کشته و ۱۴ میلیون آواره بود. نمونه دیگر نقش فعال جمهوری اسلامی و نیروی حشد الشعبی دست سازش در سرکوب خونین خیزش ۲۰۲۱-۲۰۱۹ مردم عراق است. جنبش مترقی ای که یکی از خواستههایش کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته اش از دولت و جامعه عراق بود.

دوستان محور مقاومتی ما به درست علیه سلطه گری های اسرائیل و آمریکا در منطقه می ایستند اما سلطه گری اسلام سیاسی را که به همان اندازه، اگر نه بیشتر، ارتجاعی و ضد انسانی است نادیده میگیرند و یا آنرا بر ضد آمریکانیگری جمهوری اسلامی و نیابتی هایش می بخشند.

اساس اعتراض نیروهای "ضد امپریالیست" ما به نامه سرگشاده آنجلا دیویس و یارانش همین هم جیتی با جمهوری اسلامی در ایران است. این نیروها عملا مانعی بر سر راه مبارزات بی وقفه مردم ایران برای بزرگ کشیدن جمهور اسلامی بشمار میروند و باید مورد نقد نیروهای انقلابی قرار بگیرند.

نیروهای چپ، مترقی و ضد امپریالیست واقعی در ایران و در جهان وظیفه دارند قاطعانه از اقدام پشرو امضا کنندگان نامه سرگشاده به زندانیان سیاسی حمایت کنند. این حمایت و اعلام همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اعدام در ایران میتوانند و باید هر چه گسترده تر بشود. این بخصوص بعهده نیروهای چپ و آزادیخواه در ایران است که با تمام قوا به حمایت از این حرکت برخیزند و اجازه ندهند امر و هدف اصلی این حرکت یعنی آزادی فوری زندانی سیاسی و لغو مجازات اعدام در ایران در اثر انتقادات کلیشه ای و مخالفت خوانیهای نیروهای ضد امپریالیست تو خالی لوث و به حاشیه رانده بشود.

۲۸ اوت ۲۰۲۶

در حمایت از نامه سرگشاده آنجلا دیویس و دوستانش

حمید تقوایی

نامه سرگشاده ۲۰ نفر از دانشگاهیان و فعالین و چهره های سرشناس چپ به زندانیان سیاسی در ایران که در روز ۲۰ اوت در روزنامه گاردین منتشر شد، و به فاصله یک روز امضاهاى آن به ۲۶ نفر رسید، با انتقاد برخی از چهره ها و فعالینی که در همین نامه از آنان بعنوان "ضد امپریالیستهای تو خالی" نام برده شده است مواجه شده است. برخی از آکادمیستهای اسلامی در دانشگاههای غربی نیز جزء این منتقدین هستند.

اساس انتقاد اینست که نامه سرگشاده با تمثيل دو تیغه قیچی بین هجوم خارجی و سرکوب داخلی هم ارزی کاذبی ایجاد کرده است. معتقدند موقعیت جمهوری اسلامی و جنگ را نمیتوان مستقل از جنایات آمریکا و اسرائیل در نوار غزه و سوریه و لبنان، که به نظر آنان وزن سنگین تری از سرکوبگری داخلی جمهوری اسلامی دارد، بررسی کرد.

من کاملا موافقم که هجوم دولتهای آمریکا و اسرائیل به ایران با سرکوبگری جمهوری اسلامی هم ارز نیست. جمهوری اسلامی از بدو بقدرت رسیدنش دست کم صد هزار نفر را اعدام و ترور کرده است. از اعدامهای دهه شصت - که نهادهای معتبر جهانی تعداد قربانیان آنرا بین ۱۵ تا ۲۰ هزار تخمین میزنند - تا قتلهای زنجیره ای و ترور مخالفان در ایران و در دیگر کشورها؛ و از شلیک به هواپیمای مسافری و کشتن تمام ۱۷۶ نفر سرنشین آن تا به گلوله بستن مردم در خیزشهای ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱؛ و از اعدام مخفی در زندانها تا قتل عام دیمه که به اعتراف سران رژیم در عرض ۴۸ ساعت ۳۰۰۰ نفر در خیابانها به رگبار بسته شدند؛ کل تلفات جنگهای اخیر معادل و هم ارز هیچیک از این موارد نیست.

البته جنایت جنایت است و چه جنگی باشد چه حکومتی و با هر کمیتی باید از جانب همه نیروهای مترقی و انسان دوست قاطعانه محکوم شود، اما کشتار مستمر مردم بوسیله دولت "خودی"، آنهم در ابعادی هزاران نفره، از جنس قتلهای دیکتاتوریهایی فاشیستی از مردم کشورهای خود است و نه از نظر کمی و نه از نظر قضائی و انسانی اساسا قابل مقایسه با جنایات جنگی نیست.

جنایت جنگی و لطمات مالی و جانی جنگ به مردم باید قاطعانه محکوم شود اما نباید اجازه داد کشتار مستمر جمهوری اسلامی از مردم ایران تحت الشعاع جنایات جنگی به امری حاشیه ای تبدیل گردد.





پروژه "دیرستان پلیس" مهران محبی

احمد رضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی از راه اندازی دیرستان های پلیس در تهران و 6 شهر دیگر خبر داده که به گفته خودش در بحبوحه جنگ سوم (جنگ 39 روزه) ثبت نام از داوطلبان برای این مدارس شروع شده است. استفاده نظامی از کودکان و نوجوانان در جمهوری اسلامی پدیده جدیدی نیست. حکومت اسلامی طبق معاهدات بین المللی از جمله ماده 26/2/8 اساسنامه رم از دیوان بین المللی کیفری که سال 1988 میلادی برابر با 1377 شمسی در ممنوعیت بکارگیری سرباز کودکان برای شرکت در جنگ و عملیات نظامی به تصویب رسیده، 47 سال است که بی وقفه اقدام به جنایت جنگی می کند. این رژیم جنایتکار از بدو به قدرت رسیدنش با مغزشوئی اسلامی و خرافی و سواستفاده از هیجان کودکان، آنان را جذب کمیته های انقلاب اسلامی و سپاه کرد تا در عملیات های شناسائی و محاصره خانه های فعالین سیاسی و مخالفان رژیم و بازداشت آن ها شرکت کنند و با تشکیل بسیج و استقرار پایگاه های بسیج در محلات شهرها به دستور خمینی، بسیج گیری سراسری از کودکان و نوجوانان به یک وظیفه سپاه در سازمان زیر مجموعه اش یعنی بسیج تبدیل شد.

در دوران جنگ 8 ساله استفاده از کودکان بسیجی از همراهی با نیروهای اطلاعاتی در فعالیت های امنیتی سطح شهری به شرکت در جبهه های جنگ نیز کشانده شد و کودک سربازان زیادی روانه میدان های جنگ گردیدند. حکومت صدها هزار کودک را به جبهه ها فرستاد تا به عنوان خط شکن به روی میدان های مین فرستاده شوند. در نتیجه این جنایت رژیم، ده ها هزار کودک سرباز کشته و زخمی و ناقص العضو و مفقود شدند.

بعد از جنگ با عراق نیز سواستفاده از کودکان توسط رژیم نه تنها پایان نیافت، بلکه از طریق تشکیل گروه های بسیج دانش آموزی در مدارس که ارتباط مستقیم با سازمان بسیج سپاه دارند گسترش یافت. بسیج سپاه که وظیفه تبلیغاتی و اطلاعاتی در کل مجموعه سپاه را دارد ده ها سال است که، از همین گروه های بسیج دانش آموزی برای انجام فعالیت های تبلیغاتی اسلامی در مدارس و همچنین خبرچینی از هر نوع حرکت و سخنی از معلمان و همکلاسی هایشان که مشکوک یا خلاف روایت های رسمی حکومتی به نظر برسد، استفاده می کند.

جمهوری اسلامی در رابطه با کودکان افغانستانی هم مرتکب جنایت جنگی از طریق بکارگیری وسیع آن ها در سپاه قدس برای سرکوب مخالفان بشار اسد در سوریه شده است. اما بازهم برگردیم به نقض حقوق کودکان در ایران؛ رژیم بعد از خیزش سال 88 از کودکان بسیجی برای کمک به سرکوب اعتراضات و خیزش های عمومی استفاده کرده است. مردم در جریان خیزش ها شاهد بوده اند که بخشی از نیروی سرکوب را کودکان بسیجی قمره و باتوم و گاهی هم تفنگ به دست تشکیل داده اند و در این رابطه کلیپ های زیادی از حملات این گروه ها به معترضان مخصوصا در جریان سرکوب خیزش 404 در رسانه های اجتماعی انتشار یافته اند.

حکومت در همین جنگ 39 روزه اخیر هم با ادامه به جنایت جنگی اش در حق کودکان، تعدادی را به کشتن داد که آمار دقیقی در دست نیست و معلوم نیست در صدها پادگان و پایگاه های بمباران شده سپاه و بسیج چند صد کودک و نوجوان بسیجی کشته شده اند. اما نام علیرضا جعفری کودک سرباز 11 ساله ای که در یکی از پست های بازرسی تهران با حمله موشکی کشته شد، در کارنامه جنایات رژیم ثبت شده است. لازم به یادآوری است که علیرضا 11 ساله هنگامی قربانی جنایت جنگی جمهوری اسلامی شد که چند روز پیشتر فراخوان جذب کودکان داوطلب 12

سال به بالا توسط "رحیم نادعلی" معاون فرهنگی و هنری سپاه منتشر شده بود و احتمالا این کودک بعد از همین فراخوان به عضویت بسیج در آمده بود.

همه این جنایات حکومت اسلامی علیه کودکان و نوجوانان در حالی صورت گرفته که بارها توسط سازمان ها و نهادهای حقوق بشری و بین المللی محکوم شده و از رژیم خواسته شده است تا به نقض حقوق کودک و جرائم جنگی بواسطه بکارگیری افراد زیر سن قانونی در بسیج و شرکت دادن آن ها در عملیات های نظامی پایان دهد، ولی جمهوری اسلامی با دهن کجی به خواسته های این نهادها و اعتراضات اجتماعی داخلی علیه نقض حقوق کودکان همچنان و به شیوه های سیستماتیک تر به زیر پا گذاشتن حقوق و قوانین صیانت از این بخش حساس و مستعد آسیب دیدگی در جامعه ادامه می دهد.

حکومت در ادامه جنایاتش علیه کودکان حالا در صدد راه اندازی و توسعه طرح ضد کودک و ضد انسانی "دیرستان پلیس" بر آمده است. این طرح که وابسته به نیروی انتظامی است، با هدف تأمین نیروی سرکوب شهری از طریق جذب نوجوانان آغاز شده است. اگر بسیج کاربرد نظامی دوگانه درون مرزی و برون مرزی دارد، یعنی هم در سرکوب اعتراضات و فعالیت های تبلیغی و امنیتی داخلی و هم در جنگ و درگیری نظامی با نیروی خارجی شرکت می کند، پلیس نیروی اساسا درون مرزی است که وظیفه کنترل شهری را بر عهده دارد و کنترل شهری در دانش امنیتی جمهوری اسلامی یعنی سرکوب و ایجاد فضای رعب و وحشت بر سر مردم. در نتیجه حکومت می خواهد وسیعا کودکان را به عنوان نیروهای سرکوب در برابر جامعه و خانواده ها و دوستان شان قرار دهد.

رژیم در موقعیت بسیار بی ثباتی قرار گرفته است. بحران ها از هر سو بر سرش آوار شده و فضای اعتراضی و خشم عمومی جامعه امانش را بریده اند و نمی تواند روی بخشی از بدنه مزدوران سرکوبگرش به دلیل اوضاع معیشتی و عدم اطمینان شان از دوام حکومت حساب کند. تردیدی نیست که بخشی از این نیروها دچار دو دلی و سرگشتگی شده و ممکن است در صورت وقوع خیزش مجدد، حاضر به اجرای دستورات فرماندهان خود نشوند. از طرف دیگر در میان بزرگسالان هم کمتر کسانی حاضر هستند جذب نیروهای سرکوبگر شوند تا جای نیروهای ریزشی را پر کنند. در نتیجه حکومت کودکان و نوجوانانی که عموما از خانواده های فقیر و محروم باشند، وعده ها و پاداش فقر زده هستند را هدف قرار داده تا جذب دستگاه سرکوب اش کند. کودکان و نوجوانان به خاطر بالا بودن احساسات و هیجانات شان به راحتی در دام وسوسه های هیجان آور می افتند و اگر از خانواده های فقیر و محروم باشند، وعده ها و پاداش های مادی و پولی و استخدامی می تواند آن ها را راحت تر در دام بیاندازند.

این حکومت که خود منشأ و عامل گسترش فقر و بیکاری و گرانی در جامعه است، و خود باعث محرومیت و باز ماندن میلیون ها کودک از تحصیل و ادامه تحصیل و روانه شدن آن ها به کارگاه های زیرزمینی و سر چهارراه ها و محل جمع

بار دیگر قدرت مردم

یاشار سهندی

شش ماه از دور دوم جنگ میان جمهوری اسلامی و آمریکا و اسرائیل گذشت. جنگی که در همان دقایق اول، دو روی خود را نشان داد. خامنه ای و سران نظامی حکومت کشته شدند و همزمان کودکان مدرسه ای در میناب قتل و عام شدند. از سویی این جنگ "اقدام بشردوستانه" خوانده شد، از همان سو درخواست انداختن بمب اتم هم مطرح شد. و اکنون به نظر میرسد که هیئت حاکمه آمریکا استفاده از بمب اتم را نیز به بحث گذاشته است.

"رویا فروشان"، در واقع کابوس پرستان، از همان ابتدا جشن و شادمانی راه انداختند که ساواک برمیگرده! و از عمو ترامپ و تئانیاهو تشکر کردند. اما حالا که به روایت خودشان عموترامپ توزرد از کار در آمده، به مانند سگ و گریه به جان افتاده اند و آبرو و حیثیت همدیگر را به تنها روشی که بلد هستند، یعنی لمپنیسم بر باد میدهند.

"ضد امپریالیستها و ضد صهیونیستها"، نیز یک مظلوم پیدا کرده اند به اسم جمهوری اسلامی که کارنامه ای جز تباهی ندارد، و به همت ایشان پرچم منحوس این حکومت را در خیابانهای اروپا چرخاندند. و این گونه بود که بار دیگر ثابت شد این جماعت از فرط ضد امپریالیست بودند حاضرند زیر پرچم سیاه هر جریان تبهکاری سینه بزنند. وصیت خمینی را اجرایی کردند و هر چه فریاد داشتند سر آمریکا کشیدند. این جماعت، سخت دنبال آماری هستند که نشان دهد چند غیر نظامی در اسرائیل کشته شده تا کمی دلشان خنک شود!

برخی هم به ادعای خود قاطعانه "هر دو طرف جنگ ارتجاعی" را محکوم کردند. و مرتب از اینکه بلافاصله "موضع" خود را مشخص کرده اند منت سر همه دارند. و در بحبوحه جنگی که هر آن احتمال میرفت حکومت اسلامی سقوط کند و در عین حال شیرازه جامعه را از هم بپاشاند ایشان اما در "آسیب شناسی" چپ و سوسیالیسم غرق شدند و هنوز بدنبال پاسخی هستند که چرا تشکلات مستقل کارگری شکل نمی گیرد! و هر چقدر "تجارب و دستاوردهای" محلی و جهانی را زیر و رو میکنند باز هم سر نقطه اول ایستاده اند. از سوی دیگر همه نیروی خود را برای این گذاشته اند که چگونه "منفردین" (فعالین سیاسی چپ و کمونیست که تعلق سازمانی خاصی ندارند) را به صفوف خود جذب کنند. و حیران مانده اند که چرا منفردین به ایشان روی خوش نشان نمی دهند. وسط یک کشمکش عظیم که جامعه گرفتار آن شده است و جنگی که هست و نیست همه را تحت تاثیر قرار داده است، بهر حال این کارها برای خودش کاری است!

طی شش ماه گذشته روند جنگ از حمله نظامی به محاصره نظامی شیفیت پیدا کرده است. اگر فکر میکردیم محاصره یک شهر توسط یک ارتش در قرن بیست و یکم شدنی نیست و ظاهرا این امری است مربوط به قرون گذشته، آخرین مورد آن محاصره لنینگراد توسط ارتش آلمان هیتلری در جریان جنگ جهانی دوم که ۴ سال به درازا کشید؛ اما به عینه مشاهده میکنیم که نه یک شهر بلکه یک کشور را محاصره میکنند. با حاکم آن کشور مشکل دارند اما این ما مردم هستیم باید تاوان آترا بپردازیم. حالا تحلیل گران به تفسیر نشسته اند که ترامپ یا جمهوری اسلامی کدامیک تاب آوری اش به قیمت فلاکت ما مردم، بیشتر است.

جمهوری اسلامی همه بار و فشار این محاصره را بر دوش مردم انداخته است. نتیجه اولیه این محاصره در اولین قدم سقوط مجدد ارزش ریال در مقابل دلار است. کمبود بنزین، گرانی و گرانی و گرانی؛ و خطر قحطی که هر لحظه بزرگتر و بزرگتر

صفحه ۵

زنده باد

زن، زندگی، آزادی

زن یعنی احترام به زندگی؛ یعنی برابری همگان و رفع هرگونه تبعیض؛
زن یعنی لغو حجاب اجباری، ممنوعیت حجاب کدوک؛ یعنی لغو همه قوانین ضد زن اسلامی؛
زن یعنی پایان دادن به آپارتاید جنسیتی در ایران؛
زن یعنی پایان دادن به هرگونه ستم و تحقیر و توهین مذهبی به زنان و به همه مردم؛
زندگی یعنی رفاه و شادی و معیشت و منزلت برای تک تک انسانها؛
زندگی یعنی پایان دادن به استثمار و بردگی مزدی؛ یعنی پایان دادن به نابرابری اقتصادی؛
زندگی یعنی رفاه و حرمت و شادی کدوکان؛
زندگی یعنی آب و هوای پاک و آفتاب درخشان برای همه؛
زندگی یعنی لغو مجازات اعدام و سوزاندن همه چوبه های دار؛
زندگی یعنی محاکمه همه آمران و عاملان کشتار مردم، قاتلان مهساها و نیکاهها در انقلاب جاری و در چهار دهه اخیر؛
آزادی یعنی به کور سپردن حکومت و سلطه مذهبی و قطع دست مذهب و نهادهای مذهبی از زندگی مردم؛
آزادی یعنی آزادی همه زندانیان سیاسی و باز کردن درب همه زندانها؛
آزادی یعنی انحلال کلیه نیروها و نهادهای سرکوب و جاسوسی علیه مردم؛
آزادی یعنی پایان دادن به همه مقدسات و تابوها و دکم و جبر مذهبی تحمیلی بر جامعه؛
آزادی یعنی آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل و اجتماع و اعتراض؛
آزادی یعنی حاکمیت مستقیم شهروندان و لغو هرگونه حکومت مافوق مردم؛
زن، زندگی، آزادی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه انسانی؛

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ مهرماه ۱۴۰۱

پروژه "دیرستان پلیس"...

از صفحه ۳

آوری ذباله ها است، برای حفظ خود هم از همان کودکان نیرو می گیرد.

نباید به رژیم اجازه داد که از قربانیان خود برای حراست از خود در برابر جامعه استفاده کند. کودک حتی اگر فقیر نباشد و درد و رنج و گرسنگی هم نکشیده باشد، در قانون پوسیده جمهوری اسلامی انسان به حساب آورده نمی شود و هیچ حقی مانند شادی و مهر ورزی و داشتن محیطی برای آموختن عشق و ایجاد دوستی و بروز خلاقیت های اش در نظر گرفته نشده است. در باور و ایدئولوژی و استراتژی بقاء این رژیم جنایتکار ارزش انسان و کودک در سطح گسترده جامعه به آن است که ابزار تأمین منافع اقتصادی و حفظ نظام باشد. طرح دیرستان پلیس، طرحی در ادامه سیاست ها و طرح های ضد کودک تاکنونی حکومت، اما حساب شده تر و با بکارگیری روش ها و تکنولوژی پیشرفته تر مقابله با خیزش ها است.

نباید به حکومت اجازه دهیم کودکانمان را به مراکز نظامی مانند بسیج و دیرستان پلیس ببرد و با تهی کردنشان از هر گونه عطف و احساس انسانی، به آدمکشان حرفه ای در خدمت خود تبدیل شان کند.

همه ما مردم خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی وظیفه داریم به سربازگیری از کودکان اعتراض کنیم و نه تنها خواهان تعطیلی دیرستان های پلیس و خواهان توقف این پروژه ضد کودک نوجوان شویم، بلکه خواهان برچیدن بسیج دانش آموزی از مدارس و مرخص کردن فوری کودکان و نوجوانان به خدمت درآورده شده تحت عنوان بسیج از پادگان ها و پایگاه های بسیج شویم.

لازم است تشکل های کارگری و اجتماعی و معلمان و بازنشستگان که در امر اعتراض و مبارزه علیه نقض حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه توسط جمهوری اسلامی سوابق درخشانی دارند، پیشقدم شوند و در بیانیه ها و شعارهای اعتراضی شان ضمن زیر فشار گذاشتن حکومت، جامعه را به اعتراض دعوت کنند. همچنین وظیفه خانواده های کودکانی است که فریب وعده های جانان رژیم خورده و به عضویت بسیج در آمده یا جذب دیرستان های پلیس شده اند، اینست که فرزندان شان را نسبت به خطرات و مضرات راهی که رفته اند آگاه کنند و از آنها بخواهند صف دشمنان و قاتلان مردم را ترک کنند.



بار دیگر قدرت مردم...

از صفحه ۴

میگردد، و سایه شوم فقر روز بروز گسترش پیدا میکند.

مزدوران سرمایه در تشکیلاتهای سپاه به اسم شوراهای اسلامی و خانه کارگر هم بیکار ننشسته اند. در گیرودار این کشمکش محاصره و تورم، به مانند همیشه سر و صدا راه انداخته اند: حالا که جلسه شورای عالی کار تشکیل شده بد نیست در مورد "ترمیم دستمزد" هم کاری صورت گیرد! و پیشنهاد کرده اند برای اینکه کارفرمایان محترم دچار ضرر و زیان نشوند، پایه دستمزد بدون تغییر بماند و تنها دو میلیون تومان، تحت عناوین دیگر به مزد کارگران اضافه شود. و بی شرمانه مدعی شده اند که این خودش پول زیادی است! و در عین حال اظهار تاسف کرده اند که این افزایش شامل بازنشستگان نخواهد شد!

پرداخت معوقه های فروردین و اردیبهشت مستمری بازنشستگان نیز، مرتب به عقب افتاده و تا حالا شش ماه گذشته است. و طی این مدت همین معوقه با سقوط ریال ارزش شش ماه پیش خود را ندارد. وزیر کار قول داده از ۱۵ شهریور تازه شروع به پرداخت خواهند کرد! حالا دو ماه دیرتر شد از نظر ایشان هیچ عیبی ندارد. این تنها یک نمونه ساده از دزدی آشکار از جیب مردم زحمتکش است. جلدانی مانند اژه ای از فساد "تراستی ها" یاد میکنند. واژه جدید برای گمراه کردن، که بله ایشان در حال مبارزه با فساد هستند. البته حواس شان خواهد بود که توصیه رهبر فرزانه مدفون شده را به گوش بگیرند که زیادی قضیه را کش ندهند!

قالیباف مدعی است اگر مردم گرسنه باشند دوام نمی آوریم. پزشکian می گوید: خرج و دخل با هم نمی خواند. پول نداریم. چکار کنیم! خامنه ای مقوایی از پستویام میدهد که سیگنال منفی نفرستید. اوباشانی مانند محسن رضایی وعده بمب اتم میدهد. و فلان نماینده مجلس هشدار میدهد میتوان اموال کشورهای بلغارستان و قبرس و کشورهای منطقه را مصادره کرد! امامان جمعه هفته به هفته خشم و کینه خود را از حضور زنان بدون حجاب در خیابانها نشان میدهند بدون آنکه بتوانند کاری بکنند.

شهریور سالگرد شروع انقلاب زن زندگی آزادی است. و با توجه به تحولات یکساله گذشته و بخصوص جنگ اخیر، این فرصتی است که باید نشان که فقط با یک مقایسه کوچک از نقش نیروهای راست تا نیروهای چپ در تحولات جامعه به چه میزان مطالبات و نحوه بیان مطالبات جامعه فرق میکند. یک جریان بدنبال

نگهداری و حفظ دستگاه جهنمی جمهوری اسلامی است اما بدون آخوند و دیگری هدفش آزادی و برابری است. دومی برای امر خود به قدرت توده مردم اتکاء دارد و اولی تمام هوش و حواسش به این است چگونه نیروهای نظامی و امنیتی، اعم از داخلی و خارجی را برای سرکوب جامعه سازمان دهد.

شاهد بودیم انقلابی که زندگی را هدف خودش قرارداده چگونه توانست در گوشه ای در بلوچستان، زنی را بخاطر فقر با ذغال شعار نویس کند و بر زن زندگی آزادی تاکید کند و در سراسر ایران بلکه جهان مانیفست این انقلاب به صورت ترانه ای بر سر زبانها جاری شود. و از سوی دیگر تحولاتی را شاهد بودیم که چگونه یک فرد مستبد را از پیش میخواست به جادوانگی برساند و چگونه میتواند یک انقلاب را از اوج به حضیض ذلت بکشاند.

موضوع بعد از شش ماه کاملاً برجسته، این است که معمولاً جوامع جنگ زده شیرازه اش از هم میپاشد، بدین معنی که دسته هایی از مردم به جان هم می افتند. اما در ایران ما تاکنون کمترین اثری از این امر مشاهده کردیم. مردم کمترین درگیری را با خود دارند، تمام خشم شان متوجه حکومت اسلامی سرمایه است. این نشان میدهد هنوز جامعه مستاصل نشده است، کار خود را راه و چاره میداند. با وجود صفوف پراکنده اما همگانی دشمن خود را حاکمیتی میدانند که همه مصیبتهای کنونی دستاورد آن بوده است. و برخلاف تبلیغات مسموم که دیگر کاری از دست مردم بی نمی آید و مداخله نظامی خارجی لازم است، بار دیگر قدرت اتحاد مردم برای سرنگونی مسئله محوری گشته است. این آن نقطه مهم در تحولات اخیر است که باید به آن توجه داشت.

یوتل ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افتی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

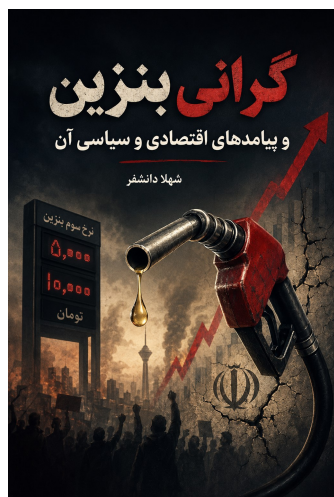
اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL KANAL جدید

گرانی بنزین و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن در ایران - شهلا دانشفر



تعرض معیشتی بیشتر به مردم و وارد کردن شوک تورمی دیگری به کل جامعه است. و در حالیکه به گفته خودشان برادران قاچاقچی حکومتی دزدان محموله مفقود شده نفتی بوده اند، با استدلالی مسخرو و گفتن اینکه بنزین ارزان می‌تواند انگیزه مصرف بیش از حد و قاچاق را افزایش دهد، بر طبل گرانتور شدن بنزین وحذف یارانه سوخت می‌کوبند. سیاستی خطرناک برای حکومت با تبعات سیاسی و اجتماعی بسیار.

گرانی بنزین بیش از بسیاری از کالاها با احساس امنیت اقتصادی مردم ارتباط دارد. مردم ممکن است افزایش قیمت یک کالا را به‌عنوان یک افزایش هزینه معمولی ببینند، اما افزایش قیمت بنزین معمولاً این نگرانی را ایجاد می‌کند که پس از آن قیمت سایر کالاها نیز افزایش خواهد یافت، چون مردم تجربه آن را دارند. و این موضوع در شرایطی که قدرت خرید خانوارها بصورت نجومی کاهش یافته و این روند ادامه دارد و یک سونامی گرانی در جریان است، ابعاد اجتماعی بیشتری دارد.

همچنین بنزین در ایران به دلیل نقش آن در زندگی روزمره مردم، کالایی بسیار حساس است. افزایش قیمت آن می‌تواند نارضایتی‌های اقتصادی موجود را به یک مسئله بسیار حاد سیاسی تبدیل کند. از جمله تجربه آبان ۱۳۹۸ نشان داد که افزایش ناگهانی قیمت بنزین می‌تواند به سرعت از یک تصمیم اقتصادی به یک بحران سیاسی و اجتماعی تبدیل شود. این تجربه یکی از مهم‌ترین عوامل هراس حکومت نسبت به طرح افزایش قیمت بنزین است.

از همین رو، حکومت امروز در زمینه افزایش قیمت بنزین با یک دشواری دوگانه روبه‌روست. از یک سو، بن‌بست اقتصادی آن را به سوی طرحی سوق می‌دهد که خود می‌داند می‌تواند خطرناک و پرهزینه باشد؛ و از سوی دیگر، افزایش قیمت بنزین می‌تواند به تشدید تورم، افزایش نارضایتی اجتماعی و تحمیل هزینه‌ای سنگین بر حکومت منجر شود. این همان نقطه‌ای است که مسئله بنزین را از یک مسئله صرفاً اقتصادی به یک مسئله حکمرانی تبدیل می‌کند.

بویژه اینکه فروپاشی اقتصادی جمهوری اسلامی دیگر تنها یک هشدار از بیرون نیست؛ نشانه‌های آن را می‌توان در سخنان مسئولان خود حکومت نیز دید. طرح افزایش قیمت بنزین و چالش‌های ناشی از آن، آینه‌ای از همین بن‌بست حکومتی است که از یک سو با کاهش منابع، کسری درآمد و بحران ارزی روبه‌روست و از سوی دیگر می‌داند که هر تصمیم برای جبران این کسری می‌تواند فشار بیشتری بر جامعه وارد کند.

این وضعیت، حاکمیت را به شدت به وحشت انداخته و هشدارهای درون حکومتی نیز آشکارتر شده است. می‌توان این هراس را در اظهارات بسیاری از

صفحه ۷

موضوع افزایش نرخ سوم بنزین روی میز دولت است. اما مسئله در حال حاضر بیشتر شبیه آماده‌سازی و فضا سازی برای این افزایش قیمت است تا شکل یک شوک قیمتی بزرگ را پیدا نکند. در این راستا دولت در هراس از گرانی یکباره نرخ بنزین در حال بررسی سناریوهای مختلفی است.

طبق اظهارات پزشک‌های دولت در حال حرکت به سمت افزایش نرخ سوم بنزین از ۵ هزار به ۱۰ هزار تومان است. با این تاکید که این افزایش شامل سهمیه‌های اصلی ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ تومانی نمی‌شود و اجرای آن نیازمند هماهنگی‌های لازم است. البته نرخهای بسیار بالاتر هشتاد تا نود هزار تومانی هم مورد بحث است. از جمله در روزهای اخیر برخی رسانه‌ها تیرهایی درباره بنزین ۸۷ تا ۹۴ هزار تومانی منتشر کرده‌اند و این ارقام در برخی گزارشات به قیمت تمام‌شده یا سناریوهای مربوط به بنزین وارداتی مربوط شده‌اند و ظاهراً شامل قیمت بنزین عادی نمی‌شود.

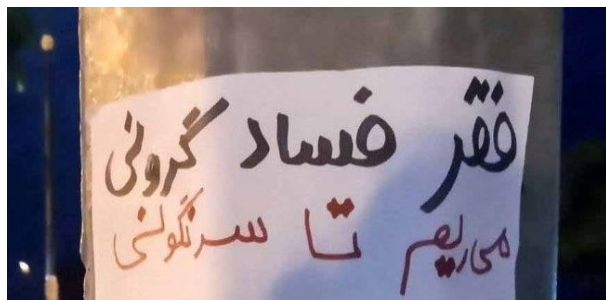
بنابراین دولت ظاهراً می‌خواهد ابتدا از افزایش نرخ سوم بنزین شروع کند با این وعده که سهمیه‌های ارزان را حفظ می‌کند تا بدین گونه انجام این کار از نظر سیاسی برایش بسیار کم‌هزینه‌تر باشد. اما وقتی نرخ سوم به تدریج افزایش پیدا کرد، یا نرخ‌های جدید به بخش بزرگ‌تری از مصرف مردم سرایت کرد، وضع عوض می‌شود. به این معنا که قیمت بنزین در ایران صرفاً یک موضوع اقتصادی نیست، بلکه مسئله‌ای است که با معیشت مردم، سیاست‌های دولت، بودجه عمومی، حمل‌ونقل، تورم و حتی ثبات اجتماعی و سیاسی کشور ارتباط مستقیم دارد. به همین دلیل، هرگونه تصمیم درباره افزایش قیمت بنزین می‌تواند پیامدهایی فراتر از افزایش هزینه سوخت داشته باشد. و اکنون هم‌زمانی اصلاح قیمت بنزین با سقوط ارزش ریال و تورم می‌تواند اثر اجتماعی بسیار بزرگ‌تری از خود افزایش قیمت بنزین داشته باشد.

همین امروز افزایش افزایش قیمت بنزین پیامدهایی چون افزایش هزینه حمل‌ونقل را دارد. بطور مثال این افزایش بر بالا رفتن هزینه‌های تاکسی‌رانان، پیک‌های موتوری، خدمات حمل‌ونقل و سایر مشاغلی که به سوخت وابسته‌اند تأثیر مستقیم دارد. در عین حال این افزایش هزینه در نهایت بصورت زنجیره‌ای بر قیمت کالاها و خدمات دیگر منتقل می‌شود. و حتی خانوارهایی که مصرف مستقیم بنزین چندانی ندارند از طریق افزایش قیمت کالاها تحت تأثیر قرار می‌گیرند و بر مشکلات معیشتی کل جامعه تأثیر مستقیم می‌گذارد.

همچنین یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها درباره افزایش قیمت بنزین، آثار تورمی آن است. بنزین در زنجیره تولید و توزیع بسیاری از کالاها حضور دارد و افزایش قیمت آن می‌تواند یک «اثر دومینویی» ایجاد کند. برای مثال، افزایش هزینه سوخت کامیون‌ها هزینه حمل مواد اولیه را بالا می‌برد؛ افزایش هزینه حمل مواد اولیه هزینه تولید را افزایش می‌دهد و در نهایت بخشی از این افزایش هزینه به کل جامعه منتقل می‌شود. بدین ترتیب، افزایش ناگهانی و شدید قیمت بنزین، در اقتصادی که از قبل با تورم بالا مواجه است، می‌تواند شوک اقتصادی بسیار بزرگ‌تری ایجاد کند.

از سوی دیگر، پایین نگه داشتن قیمت بنزین برای مدت طولانی هزینه سنگینی برای حکومت دارد. دولت که اقتصادش به فلج کامل رسیده است کاهش آخرین بقایای بار مالی یارانه‌ها، و افزایش قیمت بنزین را در دستور گذاشته است و نتیجه آن

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



از صفحه ۶

گرانی بنزین و پیامدهای اقتصادی ...

مستولان به روشنی دید. قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در همین روزها گفت: "ما هر چقدر قدرت نظامی داشته باشیم، ولی اگر مردم گرسنه باشند و گردش مالی ورشد اقتصادی نداشته باشیم، دوام نمی‌آوریم."

تنها چند روز بعد، پزشک‌های نیز در گفت‌وگو با صداوسیما، با تأکید بر وضعیت بحرانی اقتصاد و کمبود منابع مالی، گفت: "ما پول نداریم، درآمد نداریم، در جنگ زدند و خراب کردند و حتی نمی‌توانیم به آن‌ها که بیکار شدند پولی بدهیم. ارز کم داریم و قیمت دلار می‌تواند خیلی بالاتر از این هم برود." او سپس با هشدار نسبت به تداوم فشارهای اقتصادی افزود: "تحریم ادامه پیدا کند، گرانی هم بیشتر می‌شود... دخل و خرج ما با هم هم‌خوان نیست. واقعیت این است که ما پول نداریم، درآمدمان هم کمتر شده، مشکلات مان هم بیشتر شده و باید جواب هم پس بدهیم."

این سخنان بیش از هر چیز، تصویری از وضعیت نزار حکومت و نگرانی عمیق آن از آینده را به نمایش می‌گذارد. حکومتی که خود از نداشتن پول، کاهش درآمد، کمبود ارز، رشد تورم و ناترازی دخل و خرج سخن می‌گوید، اکنون ناچار است برای جبران بخشی از این بحران به سراغ قیمت بنزین برود. افزایش قیمت بنزین در چنین شرایطی تنها یک تصمیم اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند شوک دیگری به جامعه‌ای وارد کند که زیر فشار تورم، کاهش قدرت خرید و سقوط ارزش پول ملی قرار دارد. تجربه آبان ۹۸ هنوز از حافظه جامعه پاک نشده است. آن زمان، افزایش قیمت بنزین به جرقه‌ای برای اعتراضات گسترده تبدیل شد. امروز اما شرایط اقتصادی به مراتب پیچیده‌تر است: ارزش پول ملی به شدت کاهش یافته، تورم قدرت خرید مردم را فرسوده، و چشم‌انداز اقتصادی نیز با نااطمینانی جدی روبه‌روست. در چنین شرایطی، افزایش قیمت بنزین می‌تواند نه آغاز یک بحران، بلکه جرقه‌ای در انبار

باروتی باشد که از پیش انباشته شده است. به همین دلیل، تصمیم درباره بنزین برای جمهوری اسلامی یک انتخاب میان "گرانی" و "ارزان‌فروشی" نیست؛ انتخابی سخت میان دو هزینه سنگین است: ادامه وضع موجود و عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی، یا افزایش قیمت و پذیرفتن خطر تشدید فشار معیشتی و نارضایتی گسترده اجتماعی.

و درست در همین جاست که بنزین امروز به نماد بن‌بست اقتصادی جمهوری اسلامی تبدیل می‌شود؛ حکومتی که برای نجات اقتصاد خود ناچار به برداشتن گام‌هایی است که می‌تواند پایه‌های اجتماعی و سیاسی همان حکومت را بیش از پیش متزلزل کند.

فروپاشی اقتصادی جمهوری اسلامی حکومت را با خود به سرآشینی میبرد. طرح افزایش قیمت بنزین و چالش‌های آن آینه‌ای از این بن‌بست است. افزایش قیمت بنزین در چنین شرایطی، برای جمهوری اسلامی چیزی به مراتب فراتر از یک "اصلاح" اقتصادی ساده است. اجرای این طرح بازی با آتشی است که تجربه آبان ۹۸ نشان داده و می‌تواند به سرعت از یک تصمیم اقتصادی به یک بحران سیاسی و اجتماعی تبدیل شود.



بیانیه آغاز تجمعات صنفی هفتگی کارکنان مناطق عملیاتی

در مطالبه رفع محدودیت‌های حقوق و مزایای کارکنان صنعت نفت

با سلام و احترام

سال‌هاست کارکنان مناطق عملیاتی صنعت نفت، به‌ویژه همکاران شاغل در مجموعه‌های بزرگ عملیاتی منطقه پارس جنوبی، مطالبات قانونی و به‌حق خود در خصوص رفع محدودیت‌های حقوق و مزایا، از جمله سقف حقوق را از مسیرهای مختلف و به‌صورت مستمر پیگیری کرده‌اند.

در این سال‌ها، مکاتبات و پیگیری‌های متعددی از سوی کارکنان با مدیران و مسئولان سازمانی، وزارت نفت، نمایندگان مجلس و سایر مراجع ذی‌ربط انجام شده است؛ با این امید که این مطالبات از مسیرهای قانونی و اداری به نتیجه برسد. با وجود این پیگیری‌های مستمر، بخش مهمی از مطالبات همچنان بدون نتیجه مطلوب باقی مانده است.

در سال جاری، همکاران شرکت #نفت_و_گاز_پارس در ادامه پیگیری‌های صنفی خود، تجمعات هفتگی را در محل‌های کاری آغاز کرده و با حفظ نظم و احترام، مطالبات کارکنان مناطق عملیاتی را دنبال نموده‌اند.

اکنون، در راستای هم‌افزایی، انسجام و پیگیری مشترک مطالبات کارکنان مناطق عملیاتی، همکاران #مجمع_گاز_پارس جنوبی و #پالایشگاه_گاز_فجر-جم نیز اعلام می‌نمایند که به این تجمعات صنفی خواهند پیوست.

بر این اساس: آغاز تجمعات: دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵، زمان: ساعت ۹ صبح، تداوم: هر دوشنبه، همزمان با تجمعات همکاران شرکت نفت و گاز پارس

این تجمعات با هدف انعکاس منسجم مطالبات کارکنان، پیگیری رفع محدودیت‌های حقوق و مزایا و حمایت

از تلاش‌های انجام‌شده برای احقاق حقوق کارکنان مناطق عملیاتی برگزار خواهد شد. از تمامی همکاران محترم دعوت می‌شود با حضور مسئولانه، منظم و متحدانه و با رعایت شأن و احترام حرفه‌ای کارکنان صنعت نفت، در این مطالبه صنفی مشارکت نمایند.

همچنین از همکاران سایر شرکت‌های تابعه صنعت نفت در کلیه شهرها مناطق عملیاتی دعوت می‌شود با پیوستن به این حرکت صنفی، صدای مشترک کارکنان را برای پیگیری مطالبات قانونی، منسجم‌تر و رساتر نمایند.

مطالبه ما روشن است:

رفع محدودیت‌های حقوق و مزایای کارکنان مناطق عملیاتی و اجرای عادلانه و قانونی حقوق آنان.

این مطالبه متعلق به یک شرکت یا یک گروه خاص نیست؛ مطالبه مشترک کارکنان مناطق عملیاتی صنعت نفت است.

با حفظ احترام و اتحاد و انسجام، تا تحقق مطالبات قانونی متخصصین صنعت نفت- پایگاه اطلاع‌رسانی مطالبات کارکنان رسمی صنعت نفت ایران

شنبه ۷ شهریور ۱۴۰۵

برگرفته از مدیای اجتماعی

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چند شهر و تامین اجتماعی در شوش



بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر و گرانی، تبعیض و نابرابری، چپاول و دزدی و بساط سرکوب و کشتار حکومت و سیاست های جنگ افروزان حکومت و تباهی هر روز بیشتر وضعیت معیشتی هستند. از اعتراضات بازنشستگان وسیعا حمایت کنیم..

حزب کمونیست کارگری ایران-۹ شهریور ۱۴۰۵، ۳۱ اوت ۲۰۲۶

امروز نهم شهریور ماه بازنشستگان مخابرات همانند دوشنبه های دیگر در شهرهایی چون اصفهان، سنج، و شهرهای دیگری در اعتراض به وضعیت هر روز وخیم تر معیشتی و مشکلات درمانی، بی پاسخ ماندن خواستها، و چپاولگریهای سهامداران عمده این شرکت، بنیاد تعاون سپاه و نهاد منفور "ستاد فرمان امام" که مستقیما به حکومت متصل است دست به تجمع زدند. در این تجمعات بازنشستگان مخابرات شعار میدادند: "نه دولت نه مجلس نیستند به فکر ملت"، "سهامدار عمده ننگ باد ننگت باد"، "اعتماد مبین سپاه حق ماهارو خورده"، "فقط کف خیابان بدست میاد حقدار"، و "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم".

در این روز همچنین بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش که از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش گرد آمده بودند در ادامه اعتراضاتشان بخاطر وضع اسفناک معیشتی و گرانی های روزافزون و نابودی هر روز بیشتر وضع معیشتی علیرغم گرمای هوای بالای پنجاه درجه خوزستان تجمع داشتند. شعارهای اعتراضی این بازنشستگان عبارت بودند از: "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در ره آزاده گی، مرگ بر این زندگی، مرگ بر این زندگی"، "تامین رو غارت کردند، ما رو بیچاره کردند"، "ظلم و ستم کافیه سفره ی ما خالیه"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، "وعده وعید چه خوب بود اما همش دروغ بود"، "حسین حسین شعارتون دروغ و دزدی کارتون"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "می جنگیم می میریم، حقمونو می گیریم"، و "حقوق نصف و نیمه، سکوت کنی همینه".

دستگیری های گسترده در کردستان؛ پاسخ ما، اعتراض گسترده است!

شوند.
- در شهرها و روستاهای دیگر، تجمعات اعتراضی و برنامه های همبستگی با خانواده های بازداشت شدگان سازمان دهیم.
- نام بازداشت شدگان را منتشر کنیم و نگذاریم هیچ بازداشتی در سکوت و بی خبری گم شود.
- در آستانه چهارمین سالگرد زن، زندگی، آزادی، مراسم ها و تجمعات یادبود جانباختگان را به عرصه ای برای اعتراض به دستگیری ها و دفاع از آزادی زندانیان تبدیل کنیم.
بازداشت شدگان را فوری و بدون قید و شرط آزاد کنید!
جواب دستگیری های گسترده، اعتراضات گسترده است!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۸ شهریور ۱۴۰۵، ۳۰ آگوست ۲۰۲۶

در یک ماه گذشته، دست کم ۶۲ نفر در ۱۵ شهر کردستان توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شده اند. بامداد شنبه ۷ شهریور نیز نیروهای سرکوبگر با یورش به روستای سردوش مریوان، پنج جوان به نام های آزاد نوروزی، زانیار توانا، پویا کاکه محمدی، زانیار قادری و شیرزاد عبدی را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

این یورش ها فقط برای ایجاد رعب و وحشت نیست. جمهوری اسلامی از اعتراض مردم، تجمع خانواده های جانباختگان و دادخواهان، اعتراضات معیشتی، تجمع بازنشستگان، معلمان و دانشجویان، مراسم های یادبود و نزدیک شدن چهارمین سالگرد خیزش زن، زندگی، آزادی هراس دارد. می خواهد با دستگیری های پیشگیرانه، فضای اعتراضی جامعه را کنترل کند.

اما پاسخ به سرکوب، اعتراض و همبستگی جمعی است.

- مردم سردوش با خانواده های بازداشت شدگان متحد شوند و آزادی فوری و بدون قید و شرط پنج جوان بازداشت شده را مطالبه کنند.
- خانواده ها و مردم مریوان با برپایی تجمع خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اعتراضات بازنشستگان مخابرات و فولاد و ذوب آهن اصفهان و اخباری دیگر



در ادامه اعتراضات هر روزه خود در دو هفته اخیر در اعتراض به وضعیت بد بیمه و معیشت تجمع و راهپیمایی کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "جنگ طلبی کافیست سفره ما خالی"، "عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، بیمه بازنشستگان زیر عباس است امروز".

- یک حرکت اعتراضی دیگر در این روز تجمع جمعی از کشاورزان شهرستان گرمسار با خواست حقابه در محدوده نرسیده به محمداًباد است. این کشاورزان بارها برای این مطالبه تجمع و اعتراض داشته اند.

- در این روز همچنین کارگران شرکت "ارگ و پی" در مرز ریمدان در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه مزد و بخشی از حق بیمه پرداخت نشده شان دست به اعتصاب زدند. این کارگران در پروژه‌های محوطه‌سازی، راهسازی، ساخت سوله و ساختمان در محدوده منطقه آزاد چابهار و مرز ریمدان کار میکنند. بنا بر خبرها پس از آغاز اعتصاب، مسئولان شرکت کارگران معترض را تهدید به اخراج کرده‌اند.

- آخرین خبر اینکه امروز دوم شهریور مالبختگان شرکت فروش خودرو "کرمان موتور" در اعتراض به اختلاسگری و بالا کشیدن پول خود در برابر نمایندگی محمدی تجمع کردند. به گفته معترضین آنها یک سال است که پول داده اند اما به آنها خودرویی تحویل داده نشده است و ماشین‌ها را هم از داخل نمایندگی تخلیه کرده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ شهریور ۱۴۰۵، ۲۴ اوت ۲۰۲۶

امروز دوم شهریور بازنشستگان مخابرات در اعتراض به مشکلات سخت معیشتی و عدم پرداخت مطالبات، محرومیت از بیمه درمان و اختلاسگریهای ستاد اجرایی و تعاون سپاه به عنوان سهامداران عمده این شرکت، دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

در تهران جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان مخابرات مقابل وزارت ارتباطات تجمع و راهپیمایی داشتند. این بازنشستگان با شعارهایی از جمله "سهامداران عمده حق ما را خورده"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، فریاد اعتراض خود را علیه اختلاسگریهای حاکم که فشار سنگین معیشتی را بر زندگی همه آنها تحمیل کرده، بلند کردند.

در تجمعات اعتراضی این روز بازنشستگان مخابرات با شعار "اگر جواب نگیریم دوشنبه ها همینجا" بر تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند. دیگر شعارهای اعتراضی بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف از جمله عبارت بودند از: "شرکت پر در آمد چه بر سر تو آمد"، "اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی"، و "اجرای آیین نامه، حق مسلم ماست!".

شعارهای بازنشستگان، سهامداران عمده شرکت مخابرات، "ستاد اجرایی فرمان امام" و نیز "بنیاد تعاون سپاه پاسداران" و سید ستار هاشمی، وزیر ارتباطات، را که پشتیبان سهامداران عمده این شرکت است، را بعنوان سهامداران عمده دزد و چپاولگر این شرکت مورد هدف قرار میداد.

- امروز دوشنبه دوم شهریور ماه همچنین بازنشستگان فولاد و ذوب آهن اصفهان

صد و سی و پنجمین هفته کارزار سه شنبه های نه به اعدام در ۶۱ زندان و تجمعات کارگران رسمی نفت در شرکت نفت و گاز پارس و یک خبر دیگر



- حذف سقف حقوق در تمامی مناطق عملیاتی نفت، عدم تفکیک مشاغل به تخصصی و پشتیبانی، اعمال و اثر بخشی آیتم ترمیم حقوق به کلیه مؤلفه‌های پرداخت، عدم ادغام صندوق بازنشستگی

نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته بازنشستگی، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدیدالاستخدام، اجرای کامل ماده ده و...

- روز گذشته همچنین همانطور که گزارش کردیم بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلفی چون تهران، سمنان، هرمزگان، بیجار، اهواز و همدان تجمع و راهپیمایی کردند. در خبرهای تکمیلی گزارشی از تجمع جمع قابل توجهی از همین بازنشستگان منتشر شده است و معترضین با خشم و اعتراض بسیار بخاطر وضعیت وخیم معیشتی و بی پاسخ ماندن خواسته‌هایشان شعار میدهند: "اجرای آیین نامه، نه سازش نه تسلیم"، "اگر جواب نگیریم دوشنبه ها همینجا"، "کشور پردرآمد، چه بر سر تو آمد"، "سهامداران عمدن حق ما را خورده"، و "فقط کف خیابان بدست میاد حقمان".

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ شهریور ۱۴۰۵، ۲۵ اوت ۲۰۲۶

امروز سوم شهریور ماه کارزار سه شنبه های نه به اعدام در هفته صد و سی و پنجم خود دامنه اش به ۶۱ زندان کشور کشیده شد. در بخشی از بیانیه هفتگی این کارزار ضمن اشاره به تداوم وحشیانه سرکوبگریهای حکومت چنین آمده است: "از ابتدای سال ۱۴۰۵ تاکنون ۳۷۸ تن اعدام شده‌اند و از زمان روی کار آمدن دولت پزشکیان، این آمار از مرز ۴۰۰۰ تن گذشته است. حکومت مستبد حاکم در هفته اخیر، تغییراتی در دستگاه قضاییه تحت امر "ولایت فقیه" صورت داده است. این تغییرات با پیشنهاد و دخالت مستقیم نهادهای امنیتی انجام شده و خطری جدی برای زندانیان و محکومان به اعدام است؛ چرا که هیچ نهاد مستقلی برای بررسی و رسیدگی به پرونده آنها وجود ندارد و این افراد حتی از داشتن حق وکیل انتخابی نیز محروم هستند." در ادامه بیانیه بر ایستادگی و پایداری زندانیان در مقابل این سرکوبگری و توان جمعی همه مردم در مقابل ماشین کشتار حکومت تاکید شده است.

- اعتراضات بر سر معیشت گسترده است. بنا بر گزارشات منتشر شده روز گذشته دوم شهریور کارگران رسمی در شرکت نفت و گاز پارس در سکوهایی دریایی عسویه و کنگان برای پنجمین هفته متوالی در دور جدید اعتراضات خود علیه مشکلات معیشتی و وخامت بیشتر آن و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از:

اخباری از اعتراضات کارگری و اجتماعی، مالباختگان و دادخواهان



سرمایه‌های از دست‌رفته خود مقابل دادگستری کل استان آذربایجان غربی تجمع کردند. برهان سهند یک کارگزاری رسمی بورس است که موضوع پرونده آن به فعالیت‌های منتسب به مجموعه‌ای در نقده مربوط می‌شود که با وعده سرمایه‌گذاری و کسب سود از بازارهایی مانند بورس و حتی ارزهای دیجیتال مبالغ قابل توجهی از مردم دریافت کرده و این پولها را بالا کشیده اند و شماری از مسئولان و مدیران این مجموعه متواری شده اند. بیش از هزار شاکی این پرونده چندین سال است که پیگیر پولهای به سرقت رفته خود هستند و هنوز به‌طور کامل به پول و حقوق خود نرسیده‌اند.

روز پنجشنبه پنجم شهریور نیز شماری از مالباختگان مجموعه سرمایه‌گذاری آنالین موسوم به FNDK در شهر تالش در استان گیلان مقابل یک داروخانه منتسب به یکی از افراد مرتبط مستقیم تجمع کردند. طبق گزارشات افرادی که حدود یک سال قبل رمز ارزهای خود را فروخته و وارد این مجموعه کرده بودند، تا حدود سه ماه پیش همچنان مبالغی دریافت می‌کردند؛ اما پس از آن پرداخت‌ها متوقف شد و سرمایه‌گذاران نتوانستند اصل پول خود را برداشت کنند. شمار مالباختگان چندین هزار نفر و حجم سرمایه از دست‌رفته نیز در برخی گزارش‌ها چند صد میلیارد تومان برآورد شده است. این حرکت اعتراضی در ادامه خود متشنج شد و گزارش‌هایی از درگیری و آتش‌سوزی یک محل کسب منتشر شد؛ همزمان دادستانی تالش وعده رسیدگی به پرونده را داده است.

گلباران خاوران

- روز جمعه ۶ شهریور، خانواده‌های زندانیان سیاسی اعدام‌شده در سال ۱۳۶۷ طبق معمول هر سال راهی گورستان خاوران شدند تا یاد عزیزان جانباخته خود را گرامی بدارند که با درهای بسته و ممانعت سرکوبگران حکومت جنایتکار روبرو شدند. اما خانواده‌های قهرمان همچنان ایستادند و پشت درهای بسته خاوران را با گذاشتن عکس عزیزان خود و گلباران کردن آنها، مراسم‌شان را در مقابل چشمان سرکوبگران جنایتکار برگزار کردند و یاد جانباختگان را گرامی داشتند.

گرامیداشت عارف خوشکار از معترضین دی ماه

- خانواده‌های دادخواه هر روز با مراسم‌های تولد و سالروز جانباختن عزیزانشان که در ۱۴۰۱ و دیماه ۱۴۰۴ و علیه اعدامها تجمع میکنند و مردم نیز در این مراسمها همراه هستند. روز پنجم شهریور در چهلمین روز جانباختن عارف خوشکار از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی که در بیست و چهارم تیرماه ۱۴۰۵ در زندان قزلحصار به دار آویخته شهر مراسمی باشکوه با حضور پرشور مردم برگزار شد. مردم با گرامیداشت یاد عزیزان جانباخته خود به استقبال چهارمین سالگرد انقلاب خود می‌روند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ شهریور ۱۴۰۵، ۳۰ اوت ۲۰۲۶

طبق گزارشات منتشر شده امروز ۸ شهریور کارگران روزمزد پیمانکاری «مجدمی» شاغل در واحد بهره‌برداری و نمک‌زدایی شماره ۶ شرکت نفت مارون در منطقه غیزانیه اهواز در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه مزد و حق بیمه خود دست به اعتراض زدند. اعتراضات این کارگران از هفته اول شهریور آغاز شده است. اهم خواسته‌های این کارگران عبارتند از: پرداخت فوری طلب‌های مزدی، تأمین لباس کار و پایان دادن به فشار و تهدید برای جلوگیری از پیگیری مطالبات.

- روز شش شهریور کارگران شرکت لوله‌سازی اهواز در محل کار خود دست به اعتصاب زدند. اعتصاب این کارگران از سوم شهریور آغاز شد. پایین بودن سطح دستمزدها و فشار شدید معیشتی، پرداخت نشدن برخی از مطالبات و معوقات مزدی، پرداخت ناقص حق بیمه آنها در یک سال و نیم اخیر و مشکلات بیمه‌ای آنان، قطع یا حذف یک وعده غذای گرم و جایگزین کردن آن با حدود ۲۰۰ هزار تومان کمک‌هزینه که کفاف هیچ چیزی را نمیدهد از جمله موضوعات اعتراض آنان است. در این روز پرسنل محیطی بهداشت همدان نیز برای پنجمین بار در اعتراض به مطالبات اداری و معیشتی خود در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

علاوه بر سطح نازل دستمزدها و گرانی‌های روز افزون و تعویق پرداخت دستمزدها اخراج‌ها و نداشتن امنیت شغلی یک موضوع اعتراضی گسترده در محیط‌های کارگری است. طبق گزارشات منتشر شده حدود ۲۰ هزار کارگر در استان هرمزگان بخاطر رکود اقتصادی و تعطیلی واحدها از کار بیکار شده‌اند.

با بساط چپاول و دزدی حاکم اخبار جنبش مالباختگان به جنبشی گسترده در جامعه تبدیل شده است. روز شنبه هفتم شهریور جمعی از مشتریان سایپا در اعتراض به تغییر یکجانبه تعهدات و قراردادهای اولیه و افزایش بهای خودروهای پیش‌خرید شده (مانند خودروی شاهین معوق) بر اساس قیمت روز و مطالبه مبالغ اضافی سنگین و نیز ماهها و حتی سالهای تأخیر در تحویل خودرو مقابل این شرکت تجمع کردند. به گفته معترضین این شرکت علیرغم نقض تعهدات خود دست به ثبت‌نام‌های جدیدی زده است. همچنین بر اساس اظهارات مسئولان فروش سایپا، باید حدود ۵ هزار میلیارد تومان خسارت و جریمه دیرکرد تحویل خودرو به آنان پرداخت میشد که صورت نگرفته و در پاسخ به مشتریان مالباخته شرکت مشکلات نقدینگی را بهانه کرده است. این موضوع موجب خشم بیشتر مشتریان مالباخته شده است. بسیاری از این مالباختگان اندوخته‌های خود را داده‌اند تا با تحویل خودرویی بتوانند کسب و کاری برای خود جور کنند و اکنون پولهایشان به سرقت رفته است.

در روز شنبه هفتم شهریور گروهی از مالباختگان مرتبط با برهان سهند در ارومیه نیز با خواست بازگرداندن

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

چهارمین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی میداریم!

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) در گرامیداشت چهارمین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و به یاد جانبختگان انقلاب و علیه سرکوب و اعدام، همایشی آنلاین برگزار میکند.

این همایش در دوازدهم سپتامبر ۲۰۲۶ (۲۱ شهریور ۱۴۰۵). مصادف با اولین روز هفته گرامیداشت سالگرد انقلاب توسط دبیرخانه اقدام آوریل که فری دم ناو نیز عضوی از آن است، برگزار میشود.

این همایش صدای جنبش زنده "زن زندگی آزادی"، ارج گذاشتن بر آرمانهای انقلاب مهسا و علیه بساط سرکوب و کشتار حکومت برای عقب زدن جامعه است. این همایش صدای اعتراض جامعه به ادامه جنگ افروزی های حکومت و نابودی کشانده شدن هر روز بیشتر جامعه است.

این همایش تلاش میکند که در چهارمین سالگرد انقلاب صدای دادخواهی مردم ایران بدنبال کشتار خونین دیماه ۱۴۰۴، فریاد رسای انقلاب زن زندگی آزادی برای رهایی از بساط فقر و توحش و بردگی حاکم و نمادی از اتحاد مبارزاتی کل جامعه باشد.

لیست سخنرانان و پیام دهندگان این همایش عبارتند:

- ۱- شهلا دانشفر: سخنگوی فری دم ناو، مانیفست انقلاب زن زندگی آزادی و منشور بیست تشکیل
- ۲- کاظم نیکخواه: مسئول روابط بین المللی فری دم ناو، انقلاب زن زندگی آزادی و چشم انداز آن
- ۳- آزاده نعمان، فعال صنفی فرهنگیان، از اعضای اتحادیه ملی آموزش انگلستان: انقلاب زن زندگی آزادی و معلمان
- ۴- اسماعیل عبدی فعال حقوق بشر و دبیر کل پیشین کانون صنفی معلمان: انقلاب زن زندگی آزادی، انقلابی بر سر معیشت و زندگی
- ۵- کورش دانش، دانش فعال سیاسی، سندیکالیست و از مسئولین سابق کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا: CGIL انقلاب زن زندگی آزادی و جنبش کارگری
- ۶- شیوا محبوبی سخنگوی کمیته برای آزادی زندانیان سیاسی: انقلاب زن زندگی آزادی، نه به زندان و سرکوب
- ۷- پیام سالواتورا مارا پیام اتحادیه ایتالیا، مسئول سیاست بین المللی کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا CGIL
- ۸- پیام اریک لی بنیانگذار سایت بین المللی کارگری لیبر استارت به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب
- ۹- آمنه عسکری، سخنگوی نهاد مدافعین حق کودک: انقلاب زن زندگی آزادی و نسل زد
- ۱۰- بهروز اسدی عضو هیات هماهنگی کارزار جهانی نه به اعدام: انقلاب زن زندگی آزادی، نه به اعدام
- ۱۱- مسعود ارژنگ-معاون دبیر کل اتحادیه کارگران خدمات دولتی در ونکوور، بریتش کلمبیا: انقلاب زن زندگی آزادی و همبستگی های جهانی کارگری
- ۱۲- آناهیتا دولت آبادی از اعضای



کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FreeThem Now)
با همایشی آنلاین چهارمین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی میدارد

زمان: ۲۱ شهریور ۱۴۰۵ برابر با ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶

ساعت: ۱۸/۳۰ عصر لندن، ۱۹/۳۰ عصر اروپای مرکزی، ۹ شب ایران

سخنرانان:



پیامها

WOMAN
LIFE
FREEDOM

#StopExecution



هیات هماهنگی کارزار جهانی نه به اعدام: انقلاب زن زندگی آزادی علیه آپارتاید جنسیتی

۱۳- پیام شیرین شمس سخنگوی شبکه فراگیر زن زندگی آزادی، انقلاب زن زندگی آزادی، انقلابی زنانه

۱۴- پیام خسوس گایه-گو گارسا مسئول سیاست بین المللی اتحادیه کارگران بخش عمومی اسپانیا (۹۶۰۰۰۰ عضو): همبستگی اتحادیه اسپانیا با مردم ایران

۱۵- پیروز نامی فعال اجتماعی و دبیر سابق کانون صنفی معلمان خوزستان، انقلاب زن زندگی آزادی و همبستگی های مردمی

۱۶- مهیار سماویس- شبکه جهانی دفاع از زندانیان سیاسی و امنیتی: پیمان آوریل و سخنی با خانواده های زندانیان سیاسی

۱۷- آزاد صلواتی. فعال حقوق بشر و مدیر مرکز حقوق بشر زاگرس: انقلاب زن زندگی آزادی و واکنش نهادهای بین المللی

۱۸- پیام مارک اوزبورن نماینده اتحادیه سراسری معلمان انگلیس NEU

۱۹- آندره آ دانکن نایب رئیس بخش خدمات اجتماعی جامعه در اتحادیه BCGEU در همبستگی با مردم ایران و گرامیداشت انقلاب زن زندگی آزادی

۲۰- هرمز رها مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام: سخنی با خانواده های دادخواه انقلاب

۲۱- حسن صالحی، سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام: دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی

مباحث این همایش را از طریق آنلاین در یوتیوب و کلاب هاس میتوانید دنبال کنید.

۲۲- عباس ماندگار- عضو فری دم ناو، در کاناد: انقلاب زن زندگی آزادی همبستگی ها

۲۳- عطیه نیک نفس فعال سیاسی مدافع حقوق زن

زمان: ۲۲ شهریور ۱۴۰۵ برابر با ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶

ساعت: ۶/۳۰ عصر لندن، ۷/۳۰ عصر اروپای مرکزی، ۹ شب ایران

کمپین برای آزادی کارگران زندانی- اوت ۲۰۲۶، مرداد ۱۴۰۵

برگرفته از مدیای اجتماعی



نظام «به یک سال حبس محکوم شده‌اند. همچنین، به یکی از متهمان زن پرونده در زمان بازداشت نیز تعرض شده که بابت آن شکایتی از سوی متهم ثبت شده است اما بدون رسیدگی به شکایت او دادگاه حکم صادر کرده است. برگرفته از کانال تلگرام کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان

جمهوری اسلامی ۱۰ معترض در پرونده موسوم به را در دادگاه بدوی به اعدام «میدان شهدای اصفهان» محکوم کرد.

ترانه رحیمی، نوید الیاسی، ابوالفضل دادگستر، مهدی منصوری، احمدرضا سعیدی، مهرداد بوثری، محمد مهدی اسدی، آرمین غلامی، پارسا جعفری و مهدی جعفری معروف به مهدی خسروی، ۱۰ متهمی هستند که حکم اعدام گرفته‌اند.

شش متهم دیگر این پرونده نیز به حبس‌های سنگین محکوم شده‌اند. رومینا رحیمی و میلاد بوثری هر کدام به ۲۵ سال حبس، حامد مهرعلیان به ۱۵ سال حبس و ستایش ساعدی، سجاد عابدی و علی بوثری هر کدام به ۵ سال حبس محکوم شده‌اند.

علاوه بر این مجازات‌ها، هر ۱۶ متهم بدون استثنای بابت اتهام «اجتماع و تبانی» به ۵ سال حبس، بابت اتهام «تحریک» به ۵ سال حبس و بابت «فعالیت تبلیغی علیه

بیانیه مهم

بیانیه در حمایت از:

نامه همبستگی

تعدادی از چهره‌ها و فعالین سرشناس جهانی
به زندانیان سیاسی ایران



لطفاً در صورت تمایل، این بیانیه مهم را امضا کنید.
برای امضا، روی لینکی که در انتهای متن قرار دارد
کلیک کرده و نام خود را وارد کنید!

بیانیه در حمایت از: نامه همبستگی تعدادی از چهره‌ها و فعالین سرشناس جهانی به زندانیان سیاسی ایران

این نامه که برای اولین بار در نشریه گاردین در انگلیس منتشر شد، چنان انعکاسی یافت که نیروهای محور مقاومت و حامیان جمهوری اسلامی را علیه آن به جنب و جوش انداخت. بطوری که چند نفر از امضاکنندگان نامه امضای خود را تحت این فشارها پس گرفتند.

ما امضاکنندگان این بیانیه حمایت قاطع خود را از نامه همبستگی چهره‌ها و فعالین سرشناس جهانی به زندانیان سیاسی در ایران اعلام می‌کنیم و از همه مردم آزاده، ایرانی و غیر ایرانی، در سراسر جهان دعوت می‌کنیم صرفنظر از این که در مورد جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی چه نظری دارند، این بیانیه را امضا کنند، از نامه ۲۶ نفره و موضع آن در مخالفت با جریان «محور مقاومت» — جریانی که به هر بهانه‌ای از جمهوری اسلامی حمایت می‌کند — پشتیبانی کنند و خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام و لغو کلیه احکام اعدام در ایران شوند.

https://docs.google.com/forms/d/e/1FAIpQLSfqixv4aJaFD4r8Wg140K_FA9rripCTaNI08VEtslf7z78ABg/viewform

ایمیل برای تماس: hasan.salehi2000@gmail.com

برگرفته از مدیای اجتماعی

در نامه همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران که با امضای ۲۰ نفر از چهره‌ها و فعالین سرشناس جهانی تحت عنوان «زندانیان سیاسی ایران؛ گرفتار میان دو تیغه یک قیچی» در روز ۲۰ اوت ۲۰۲۶ نوشته شده و در روزهای بعد به ۲۶ امضا رسید، چنین آمده است: «ما از جایگاهی سرشار از همبستگی عمیق برای شما می‌نویسیم؛ در حالی که دل‌هایمان از آگاهی نسبت به مبارزه‌ای که در درون زندان‌های ایران با آن روبه‌رو هستید، سنگین است؛ شکنجه، بی‌توجهی و محرومیت سازمان‌یافته، تحمیل سکوت، و واقعیت بی‌رحمانه دادگاه‌های نمایشی و اعدام‌ها. ما در کنار شما ایستاده‌ایم، زیرا شما در نقطه تلاقی دو سرچشمه ستم قرار گرفته‌اید. از یک سو، با جمهوری اسلامی روبه‌رو هستید که از بدو تأسیس، کنترل مطلق اجتماعی و سیاسی را بر اساس یک ایدئولوژی انحصارطلبانه اعمال کرده است. از سوی دیگر، با تجاوز و خشونت همان نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی روبه‌رو هستید که جمهوری اسلامی مدعی ایستادگی در برابر آن‌هاست.»

«مبارزه شما به اندازه رویاهای جمعی ما برای آزادی و کرامت، جهانی است. ما در کنار شما ایستاده‌ایم و دوگانه دروغین امپریالیسم و ضد امپریالیسم توخالی را رد می‌کنیم. ما از جامعه مدنی جهانی و فعالان و سازمان‌های ضد امپریالیست دعوت می‌کنیم تا حمایت و همبستگی بی‌قید و شرط خود را با همه خویشتان‌دندان زندانی که برای آزادی جمعی ما مبارزه می‌کنند، ابراز کنند، با زندانیان سیاسی ایران ارتباط برقرار کنند و صدای آنها را بلند کنند، با به چالش کشیدن روایت جمهوری اسلامی، بر آن فشار بیاورند و از آن دولت بخواهند که فوراً همه اعدام‌ها را متوقف کرده و همه زندانیان سیاسی را آزاد کند.»

BOYCOTT
Iran's killer regime!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran